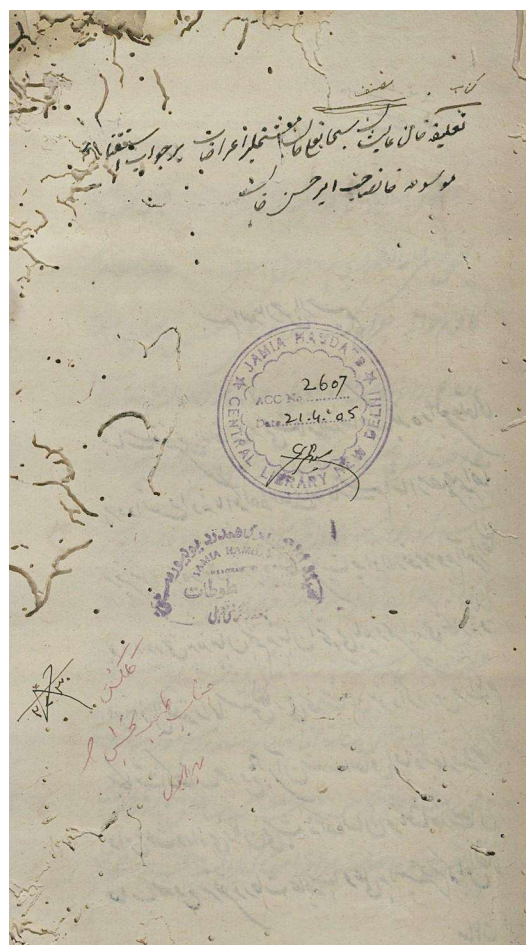
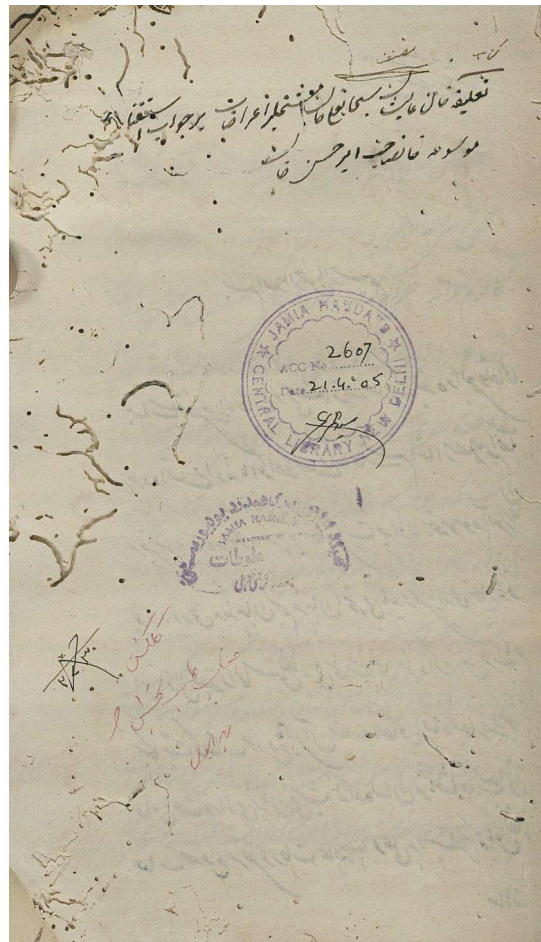






۲۹۰۷
۳۳۳

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب شیخ علی القاری موسی لایه الله صاحب بنده رابع و تعالی
مرد و السبب او نه با کماله غفلت و غفایا هم انبا الرضوی هم
تذخیر مکرر بنده رابع و عذریه شکایت نیست چه اولاً رفته موسوم العزیز
بود و در حق بدندان هم دندان انجمنی باید و نمک بادی کاه و نه
این ازل الخلفه را با سبب تعاریفی نیست ان شود اگر درین مرابم
بکامیت که خاتمه مدوح بر آن شد نه اتفاق اعا و بمعا فی کاه
و این باعث درازی زبان می باشد که کف لسان و ناسا حدیثی
حکایت مدوح مرقور جات عالیست و علی به اینست که با این اتفاق
میان

مناجات نرم به بت گوی نه یازم و بنده اگر اراده جوابی بگوید
کجا بدین تران میباشتم خرم که بخواه قطع شه منسوب باقی طبعی و الهی
محو بر عذر از خود می نده با دنی صرف نظام نظام
کافرم خواند چراغ کتب را بنور فروغ مسکن و نورش را بر کاف
دروغی را بخران شد و دروغی خاب مولود صاف با صاف
و دقت نظری شود و مرکب سوزی ادبی که کشتم با خود عسل و عسل
آست که در جواب استخوان از جانشان سر برزده تر جوش شیرین
ایکدول و لاجواب نظام سوال ندارد چه اگر سوال فقط از نسبت است
عصمت حضرت سیده سارا و العالمی بود و جوابی فرستاد که در کتب
است منت هرگاه حسن زلف از انبیا جان از الصدوق است و راست است
چه بخند و ریت و حال که سوال در نسبت به حدیث نقل و کلام است
حسن نصیری و حاصلش هر آنکه است که اگر اهل بیت نفوذ را سازند

قرآن شسته بشند باز و چشمک و تفریع عدم ضلالت بر آن چشیده
 عمارت خاتمہ استقامت نمودند و رسیدند و ملک باده بعثت از
 مولانا بحر العلوم که ما و جو حسن بصری است از کابران درین خاصه از
 حسن بصری رضی اللہ عنہ باز اہلبیت با جماعہ محمد بن عباس و امیر
 انتم و نیز بر ذمہ شما بحدیث بود کہ دفع الغفالت صریح الورد و ذکر
 و ان ایامہ محاط بہ حدیث نقیض اصالت و ابتدا بر صحت کرام بودہ
 و حق ما بعد تبعاً و آخر و حال آنکہ ما جماع اہل سنت اہلبیت و عصمت
 در حفظ و اختیاری ما اصبی عظام غلط کفیم با اہم اربعہ غلط چو
 دلیل عقلی و نقلی بر ختم اہتمام و شان قائم نشدہ با ہر کس کہ محمد بن
 و لو فرما کہ نہایت وی الامام اندھا کہ لفظ سار محمد و در مقام
 مستحق نمی بایم چہ صحت ما بر وجه حکومت و اول اصحاب تہمت اہلبیت
 طہرین مثل قرآن و انحصار عدم ضلالت در محکم نقل و حدیث